نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۴۶

سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



جامعه ایران و حسرت توسعه

دکتر سجاد بهزادی

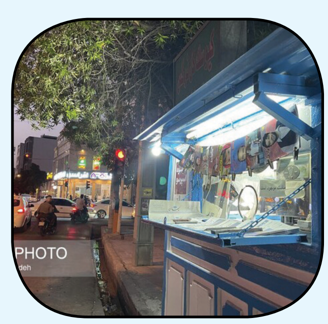
حمله ناکام عوامل خودسر به کنسرت «لیان» بوشهر در تالار وحدت تهران

روزنامه اصولگرای جوان مدعی شد:

حمله نیروهای خودسر به کنسرت گروه لیان ،کار بیگانگان است!

روزنامه فروشی به تاریخ می‌پیوندد؛

آخرین میخ شهرداری بوشهر بر تابوت دکه‌های مطبوعاتی



میهمان آسمان نیلی رنگ، امواج دریا و ساحل زیبای بوشهر

سالار شهنواز



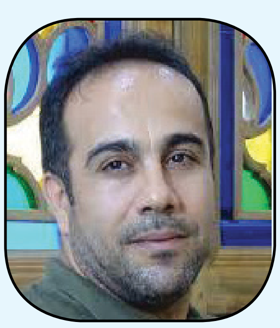
آیا هر دفتر جلد شده‌ای کتاب نام دارد؟

دکتر رسول خیراندیش



دَمّام و جامعه شناسی

عبدالخالق ماجدی



روزنامه فروشی به تاریخ می‌پیوندد؛

آخرین میخ شهرداری بوشهر بر تابوت دکه‌های مطبوعاتی

ایسنا/بوشهر از زمانی که فروشندگان جراید، با پای پیاده روزنامه‌ها را زیر بغل می‌گرفتند و فریاد «روزنامه، روزنامه، خبرهای روز» سر می‌دادند، یا بعدها که روزنامه‌فروشان سوار بر دوچرخه، رکاب زنان با آواز «خبرهای روز» مردم را دعوت به خواندن می‌کردند، سالها گذشته است. در طول چند دهه اخیر که روزنامه‌ها در دکه‌های مطبوعاتی ساکت وآرام نشسته‌اند، اوج و فرود بسیاری را به‌خود دیده‌اند. بهارشان اواسط دهه ۷۰ تا اواسط دهه ۸۰ بود و فرودشان از دهه ۹۰ به تدریج آغاز شد.

اواسط خیابان شهدا، روبه‌روی پاساژ ملت و کنار اتوبوس‌رانی سابق بوشهر دکه‌ای به ابعاد ۲ در ۲ قرار دارد که در آن نه سیگاری هست و نه حتی لیمونادی که عطش تابستانی را بخواباند. اینجا کیوسکی است که خوراک روح می‌فروشد، خوراکی که روز به روز متقاضیانش کمتر می‌شود و زنگ خطر سوء تغذیه ناشی از آن بلندتر به‌گوش می‌رسد.

صاحب این کیوسک مطبوعاتی فردی ۶۰-۷۰ ساله با مشتریانی هم سن و سال خودش است؛ اگر چه گسترش روزافزون استفاده مردم از فضای مجازی و اخبار آنلاین سبب کساد شدن بازار روزنامه شده است و در واقع روزنامه و جراید برای کسب اطلاع و آگاهی مثل گذشته طرفدار ندارند اما هستند مشتریانی که همچنان روزنامه را منبع موثق کسب اطلاع می‌دانند و کمتر از دیگران خود را درگیر اخبار لحظه‌ای کرده‌اند.

رضا چراغچی به خبرنگار ایسنا در خصوص چگونگی ورود به این حرفه می‌گوید: از دوران تحصیل با همراهی پدرم که نمایندگی نشریات و روزنامه‌های مختلف را داشت، وارد این حرفه شدم.

او اضافه می‌کند: سال‌های ابتدایی کار بازار روزنامه‌فروشی و مطبوعات داغ و پرمشتری بود به‌طوری که اول صبح تا وقتی روزنامه‌ها می‌رسید افراد مختلف برای خرید صف کشیده بودند اما اکنون با گسترش فضای مجازی بازار روزنامه فروشی از رونق افتاده‌است و به‌جز مشتریان پروپاقرص قدیمی عملا ما تبدیل به باطله‌فروشی شده‌ایم.



صاحب دکه مطبوعاتی در شهر بوشهر عنوان می‌کند: سود حاصل از فروش روزنامه و نشریه ۱۰ درصد مبلغ روی جلد است اما عشق به این کار و مقدس دانستن کار فرهنگی هر بار مانع خروج ما از این حرفه شده است تا جایی که حتی حاضر به فروش اقلام دیگر در کنار روزنامه و نشریه نیستم.

چراغچی ادامه می‌دهد: تا سال ۷۵ فعالیت‌مان در دکه به‌صورت آزاد و پس از آن زیر نظر اتوبوس‌رانی بود، اما در سال ۸۸ با خروج اتوبوس رانی از این محل، ادامه کار به‌صورت قراردادی با شهرداری انجام می‌شد. در ۲ سال گذشته قراردادی با شهرداری نداشتیم. هر بار هم به شهرداری می‌رفتیم، می‌گفتند حالا صبر کنید، تا این‌که امسال شهرداری با اقدامی عجیب از به مزایده گذاشتن همه دکه‌های سطح شهر خبر داد.

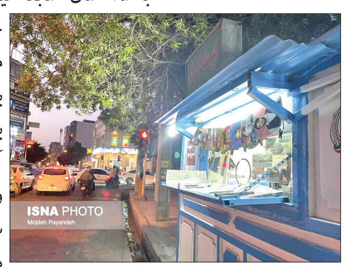
به گزارش ایسنا، ساماندهی کیوسک‌های شهرداری بوشهر سالهای زیادی بلاتکلیف باقی مانده است و نظارت درستی بر روی آنها انجام نمی‌شود اما این بار شهرداری با هدف اجرای طرح ساماندهی کیوسک‌های سطح شهر از طریق برگزاری مزایده به دنبال واگذاری دکه‌ها به دیگر افراد حائز شرایط است. در این میان پنج کیوسک به عنوان بازوان جامعه مطبوعاتی استان بوشهر وجود دارند که اگر قرار بر ساماندهی بدون در نظر گرفتن شرایط خاص برای آنها باشد، توان ادامه فعالیت نخواهند داشت.

صاحب این پایگاه فرهنگی عنوان می‌کند: در طول این سالها حتی ۱۰ سانتی متر پیش‌روی نکردم و باهزینه شخصی دکه را نوسازی و با خرید کنتور برق کشی و با تعرفه آزاد و غیرفرهنگی هزینه برق را پرداخت کردم تا بتوانم این دکه را سرپا نگه دارم.

چراغچی اضافه می‌کند: با حسن نیت شهرداری تا سال ۹۲ مبلغ کمی را به عنوان کرایه از ما می‌گرفت و همین سبب شده بود تا چراغ دکه‌های ما روشن بماند اما اکنون شهرداری با هدف ساماندهی کیوسک‌ها با انجام مزایده به دنبال واگذاری محل کسب ما با قیمت‌هایی است که پرداخت آن از توان ما خارج است.

پرداخت کرایه با روزنامه فروشی غیرممکن است

صاحب یکی دیگر از دکه‌های مطبوعاتی بوشهر با ۲۵ سال سابقه نیز به خبرنگار ایسنا می‌گوید: خبر واگذاری و برگزاری مناقصه دکه‌ها یک‌باره به ما با قیمت‌هایی داده شد که ما به‌هیچ عنوان قادر به پرداخت آن نیستیم و اگر واقعا قرار بر واگذاری این دکه‌ها به چنین شکلی باشد به‌یقین می‌گویم هیچ فردی نمی‌تواند کرایه آن را از طریق روزنامه‌فروشی بپردازد.



شریفیان با بیان این‌که مردم دل و دماغ روزنامه خواندن برای‌شان باقی نمانده است، ادامه می‌دهد: در شرایطی که مردم به دلیل گران بودن و تکراری بودن اخبار، روزنامه نمی‌خوانند چند سالی است که در کنار نشریات و روزنامه مقدار بسیار کمی تنقلات هم با مجوز شهرداری آورده‌ام.

تنها راه برگزاری مزایده است

معاون خدمات شهر شهرداری بوشهر به خبرنگار ایسنا گفت: شهردار و شورای شهر معتقدند در چارچوب قانون و ضوابط باید با همه دکه‌های سطح شهر برخورد و به‌صورت مزایده واگذار شوند. باید شرایط به‌شکلی باشد که همه متقاضیان بتوانند در مزایده شرکت کنند. دکه‌های مطبوعاتی سطح شهر چندسالی است که بدون قرارداد فعالیت می‌کنند. لذا تنها راه برگزاری مزایده است.

محمدحسین محمدی افزود: برخی از دکه‌های سطح که برخی دکه‌های مطبوعاتی شهر بوشهر را هم شامل می‌شوند در مسیر طرح شورای ترافیک قرار گرفته‌اند، شهرداری در حال رایزنی برای حفظ و یا جایگزین کردن مکان جدید برای آنهاست. با حفظ کاربری تلاش می‌شود مزایده برگزار شود اما ممکن است افراد دیگری جایگزین فعالان مطبوعاتی با نرخ کرایه‌ای که کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌کند و شهرداری دخل و تصرفی در آن دارد.

وی در پاسخ به سوال اقدامات شهرداری برای حفظ دکه‌هایی که به‌نوعی پایگاه فرهنگی محسوب می‌شوند، عنوان کرد: ما نگاه اقتصادی به هیچ یک از دکه‌های سطح شهر بوشهر نداریم و تنها می‌خواهیم این دکه‌ها محل درآمدی برای شهروندان باشد. درخصوص قیمت‌گذاری نیز شهردار اطلاعات دارد و من نمی‌توانم در خصوص عادلانه و غیرعادلانه بودن آن نظری ندارم.

شهردار بوشهر پاسخ نداد!



اگرچه ادامه مداوم فعالیت دکه‌های مطبوعاتی به برنامه‌ریزی، نظارت و توجه بیشتر مدیران شهری نیاز دارد اما متاسفانه تلاش خبرنگار ایسنا برای گفت‌وگو با شهردار بوشهر بی‌فایده بود.

۶۰ هزار متر مکعب به آب استان اضافه شد

استاندار بوشهر گفت: از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۴۰۰، ۱۰۵ هزار مترمکعب آبشیرین کن در استان اجرایی شد این درحالی است که تنها طی ۲ سال گذشته بیش از ۶۰ هزار مترمکعب به این ظرفیت اضافه شده و افزون براین به زودی ۱۲۵ هزار مترمکعب آبشیرین کن نیز به این مجموعه افزوده می‌شود.

به گزارش خبرنگار ایرنا، احمد محمدی‌زاده در جشن ایمان و امید به مناسبت ۲۸ خرداد سالروز پیروزی دولت مردمی ایران قوی در سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در کارخانه جی لیان جی بوشهر اظهار کرد: در حوزه تاسیس سدها که نقش مهمی در تامین آب پایدار در حوزه شرب و کشاورزی دارند طی دو سال گذشته ۲ سد باغان و خائیز افتتاح شد و تلاش می‌شود تا پایان سالجاری آبگیری سد دالکی و و دشت پلنگ که روی هم ۶۰۰ میلیون مترمکعب است انجام شود.

ناکام ماندن کلاهبرداری میلیاردی از کشاورز بوشهری در قالب مجری رادیو

رئیس پلیس فتا استان بوشهر گفت: با اقدام سریع و به موقع کارشناسان پلیس فتا این استان در حوزه پیشگیری، کلاهبرداری پنج میلیارد ریالی از یک کشاورز بوشهری ناکام شد.

با مراجعه یکی از شهروندان در عصر یک روز تعطیل به پلیس فتا و اظهار وی مبنی بر قربانی شدن در یک کلاهبرداری تلفنی، رسیدگی ویژه به موضوع در دستور کار پلیس فتا استان بوشهر قرار گرفت. در بررسی انجام شده مشخص شد که فرد کلاهبردار با مالباخته در قالب مجری رادیو تماس گرفته و با طرح دروغین موضوع برنده شدن وی به علت خوش حسابی مشترکان همراه اول و برای واریز مبلغ سیصدمیلیون ریال کمک هزینه سفر به عتبات عالیات، تمامی مشخصات حساب‌های بانکی ایشان را اخذ و در حال سرقت موجودی حساب‌های مذکور است.

رئیس پلیس فتا استان بوشهر تصریح کرد: این مجرم کلاهبردار با اطلاعاتی که از مالباخته گرفته بود، در حال انتقال اینترنتی سرمایه حدود پنج میلیارد ریالی حاصل از تلاش‌های چندسال اخیر این کشاورز زحمتکش از حساب‌های بانکی وی بود که با هماهنگی قضایی و اقدامات سریع و به‌موقع افسران سایبری پی‌جوی جرایم، همه حساب‌ها مسدود و وجوه به‌سرقت رفته به حساب شاکی عودت و مالباخته به حق خود رسید.

وی با تاکید بر این که اقدامات تکمیلی تا دستگیری فرد کلاهبردار که ساکن یکی از استان‌های مرکزی کشور است با همکاری مراجع قضایی پیگیری خواهد شد، به هم استانی‌ها توصیه کرد تا از در اختیار گذاشتن و اعلام مشخصات حساب‌های بانکی خود به دیگران به‌ویژه افراد ناشناس خودداری کرده و توجه داشته باشند که برای دریافت هرگونه جایزه از سوی سازمان‌ها و شرکت‌های معتبر، نیاز به اعلام شماره رمزها و cvv۲ کارت‌های بانکی نیست.

شناسایی و دستگیری ۲۵ نفر سارق در استان بوشهر

رییس پلیس آگاهی استان بوشهر از شناسایی و دستگیری ۲۵ نفر سارق در اجرای طرح سه روزه مقابله با جرایم سرقت در اوایل دهه سوم خرداد ماه سال جاری در استان بوشهر خبر داد.

سرهنگ کارآگاه جوشن سهرابی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: در زمینه افزایش احساس امنیت در محلات و ناامن کردن محیط برای فعالیت افراد بزهکار با هماهنگی انجام گرفته طرح عملیاتی مقابله با جرایم سرقت در بوشهر اجرایی شد.

وی افزود: در این عملیات که به مدت سه روز و با بهره گیری از ظرفیت دوایر تجسس و پلیس آگاهی در سطح استان در اوایل دهه سوم خرداد ماه اجرا شد، ۴۴ فقره انواع جرایم سرقت در محلات شناسایی و کشف شد.

این طرح سه روزه با تلاش شبانه روزی همکاران و با مشارکت شهروندان همراه و سبب استرداد به موقع اموال مکشوفه به افراد مالباخته گردید.عملیات‌های مقابله با سرقت با هدف ارتقا سطح امنیت در محلات و افزایش رضایت مردم و شهروندان اجرا شده و با جدیت تا پایان سال در دستور کار پلیس استان قرار دارد.

اختصاص ۲۱۰ میلیارد ریال اعتبار برای احداث ۲ پارک در بوشهر

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری بوشهر گفت: ۲۱۰ میلیارد ریال اعتبار به احداث پروژه‌های پارک ۱۳هکتاری تنگک سوم و اجرای بخشی از پارک ۱۳۸ هکتاری در محدوده بزرگراه سرتل - تنگک اختصاص یافت.

به گزارش خبرنگار ایرنا، ساسان محبی در جمع خبرگاران اظهار کرد: پارک ۱۳ هکتاری تنگک سوم با ۱۶۰ میلیارد ریال اعتبار اجرا می‌شود که اجرای آن سرانه فضای سبز این منطقه را به میزان قابل توجهی افزایش می دهد.

وی افزود: سرانه فضای سبز بوشهر با احتساب پایگاه‌های نظامی ۶.۷ مترمربع و بدون احتساب این مناطق ۵.۶ مترمربع است.

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری بوشهر تصریح کرد: با اجرا پروژه‌های جدید فضای سبز در بوشهر پیش بینی می‌شود سرانه فضای سبز این شهر تا پایان سال جاری به ۷.۵ یا ۸ مترمربع افزایش پیدا کند.

محبی اظهار کرد: در خصوص پلاک کوبی درختان نیز سوال زیادی مبنی بر از بین رفتن اطلاعات برخی از درختان قطع شده مانند کنوکارپوس مطرح شده و این در حالی است که با جایگزینی درختان، اطلاعات پلاک‌ها در سامانه بروزرسانی و به صورت مجدد نصب می‌شود.



جامعه ایران و حسرت توسعه

دکتر سجاد بهزادی

سرانجام رییس جمهوری لایحه برنامه هفتم توسعه را به هیات رئیسه مجلس تقدیم کرد. قرار است این لایحه با اولویت پیشرفت اقتصادی کشور ما را به توسعه نزدیک‌تر کند و حسرت توسعه را از ما بگیرد. همان حسرتی که بر دل بسیاری ماند و از این میهن رفتند و دیگرانی که همچنان مانده‌اند برای رسیدن به آن تلاش می کنند.

به تازگی سخنانی کوتاه از عادل فردوسی‌پور منتشر شده است که با بغضی حسرت‌آلود می گوید: "در ۴ سال‌و نیم گذشته تنها یک بازی را گزارش کرده‌ام. راستش خیلی دلم تنگ شده. اما خب همه‌چیز را با هم نمی‌شود داشت و آدم یکسری اصولی دارد که باید به آنها پای‌بند باشد. ولی حسرت گزارش نکردن را قطعا، شدیدا می‌خورم."

عبارت" شدیدا حسرت می‌خورم" عادل فردوسی‌پور، در وضعیت فعلی جامعه ایران چیز عجیبی نیست. این عبارت برای بسیاری از ما عینیت دارد. به عنوان نمونه بسیاری از ما حسرت خورده توسعه نیافتگی کشور هستم و هربار که آفتاب غروب می کند در حسرت ندیدن یک اتفاق تازه، در تاریکی شب فرو می رویم.

توسعه منتظر هیچ ملت و دولتی نمی‌ماند و دنیای پیرامون ما امروز در ادامه مسیر توسعه یافتگی خود، با هوش مصنوعی روزگار را طی می کند، اما ما نمایش آن را بازی می کنیم. به قول عباس عبدی "توسعه‌نیافتگی یعنی این که پیشرفته‌ترین لپ تاپ مک بوک پرو را از آمریکا بخری بیاری اینجا با آن فیلم‌های کارتونی ببینی. یا بنز آخرین مدل را بخری و اینجا با آن آجُر جابجا کنی. مثل استفاده از هوش مصنوعی برای شناسایی زنانی که در خیابان هستند و خود را پوشیده هم نمی کنند."

در همین مقایسه تطبیقی توسعه نیافتگی ما با دیگر کشورها، روزانه موارد مختلفی می بینیم که حسرت آن به دل ما می ماند. توسعه یافتگی یعنی این که؛ فرودگاه استانبول در همسایگی ما، رکورد تعداد پرواز جهان را در یک روز می شکند. سازمان ایمنی ناوبری هوایی اروپا (یوروکنترل) اعلام کرد که تعداد پروازهای انجام‌شده توسط فرودگاه استانبول در روز یکشنبه به ۱۶۸۴ پرواز رسید که رکورد ۱۶۲۴ پرواز فرودگاه فرانکفورت در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۹ را شکست.

توسعه یافتگی و مقایسه تطبیقی کشورها با هم یعنی این‌که گفته می‌شود "در کشورهایی مانند جهان در ماه مارس ۲۰۲۳ به ترتیب به امارات متحده عربی (۱۸۱.۷۹)، قطر (۱۶۴.۸۶)، نروژ (۱۴۶.۱۵)، کویت (۱۳۶.۷۵) و دانمارک (۱۲۷.۱۳) تعلق دارد. همچنین رتبه یک تا پنج اینترنت پهن‌باند ثابت در جهان به ترتیب سنگاپور (۲۴۱.۳۵) شیلی (۲۲۳.۲۱)، امارات متحده عربی (۲۲۰.۶۱)، چین (۲۱۸.۸۰)، هنگ کنگ (۲۱۳.۱۴) تعلق دارد." وضعیت اینترنت در جهان، جنون‌آمیز متحول می شود و ما در



دانمارک از ۳۷۳ شاخص توسعه ۳۰۱ شاخص مثبت است؛ اما ایران تقریبا در نیمی از شاخص‌های توسعه وضعیت هشدارآمیز دارد و در سال ۱۴۰۱ معادل ۱۲ رتبه کاهش جایگاه را نسبت به سال ۱۴۰۰ تجربه کرده است. عقبگرد ایران در شاخص‌های توسعه‌ای در شرایطی است که مطابق بررسی‌های انجام‌شده در منطقه، ترکمنستان ۱۳ رتبه، قرقیزستان و عراق ۱۲ رتبه، عربستان ۱۱ رتبه و ارمنستان ۹ رتبه ارتقا در شاخص‌های توسعه‌ای را تجربه کرده‌اند".

ما نه تنها به توسعه یافتگی نرسیده ایم و نه تنها در حال توسعه نیستیم؛ بلکه نشانه هایی هست که مدام به عقب تر می رویم.

توسعه نیافتگی وبه عقب رفتن توسعه در ایران یعنی اینکه گفته می‌شود "سرعت اینترنت موبایل ایران از توگو و مراکش کندتر است؛ اینترنت ثابت هم کندتر از آنگولا. رتبه یک تا پنج اینترنت موبایل در کشورمان همچنان گرفتار فیلترینگ هستیم. یک نماینده مجلس به تازگی گفته است "گردش مالی فیلترینگ در ایران ۴۰ تا ۵۰هزار میلیارد تومان است."

نمونه های بیش تری هم هست که همگی نشان می دهد حتی همسایگان ما چگونه سودای توسعه در سر دارند و ما در حسرت توسعه مانده ایم. تازگی ها وزارت سرمایه‌گذاری عربستان تفاهمی به ارزش ۵.۶ میلیارد دلار (۲۱ میلیارد ریال عربستان) با شرکت چینی «هیومن هورایزونز» متخصص در توسعه فناوری‌های خودروهای هوشمند و تولید خودروهای برقی برای انجام پروژه مشترک تحقیق، توسعه، ساخت و فروش خودرو امضا کرد.

موارد بسیار تلخ تری وجود دارد که از بیان آنها صرفنظر می کنم. اما چه باید کرد و حسرت توسعه جامعه ایران تا کجا پیش خواهد رفت؟

گفته می‌شود بر لایحه برنامه هفتم توسعه انتقادات زیادی وجود دارد؛ اما هدف نگارش این متن پرداختن به آن ایرادات نیست. قبل از این هم ۶ لایحه توسعه توسط دولت های دیگر نوشته شده بود، اما ما همچنان با روح توسعه تعارض‌های جدی داریم.

برنامه توسعه ای که ما را بین المللی نکند مبنای پایداری نخواهد داشت. به قول دکتر سریع القلم "اصول توسعه‌یافتگی جهانی و جهان‌شمول‌اند." برنامه توسعه ای که نتواند طبقه متوسط جامعه را نجات دهد، هرگز سالهای روشنی را به ما نشان نخواهد داد.

توسعه یعنی این‌که طبقه متوسط جامعه میدان دار حوزه عمومی باشد و دغدغه نیازهای معیشتی نداشته باشد. این در حالی است که گفته می شود "خط فقر در تهران به ۳۰ میلیون تومان رسیده است و با توجه به شرایط مسکن، اجاره، معیشت و تورم مشاهده می‌کنیم که قشر متوسط جامعه عملا به سمت حاشیه‌نشینی در تهران و یا شهرهای هم جوار سوق پیدا کرده و به همین علت ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد مسائل اجتماعی و سیاسی متعدد باشیم."

یک روزی برنامه های هفتم، هشتم، نهم .... توسعه هم توسط دولت ها می‌آید و می رود؛ اما تنها دولت ها نیستند که یک کشور را از مسیر توسعه دور و یا به آن نزدیک می‌کنند. مادامی که ملت ها نیز، انسان‌های توسعه یافته‌ای نباشند هرگز از حسرت توسعه عبور نخواهیم کرد.

ما بیش از لایحه های توسعه، به انسان توسعه یافته نیاز داریم که روح پرسش‌گری دارد و کنشگر اجتماعی است و در برابر توسعه‌نیافتگی اعتراض و انتقاد می کند .

به قول یکی از همکاران رسانه‌ای "انسان توسعه یافته قانونمند است و به قانون احترام می گذارد. در عین حال مرعوب مقامات اداری و حکومتی هم نمی شود. می‌داند که این مقامات تنها در سازمان مطبوع خود صاحب مقام هستند و در عرصه اجتماع همگی خدمتگزار شهروندان هستند."

انسان توسعه‌یافته در حسرت توسعه نمی ماند و برای رسیدن به آن، مدام فریاد می زند.

عملیات تعمیرات اساسی پالایشگاه سوم مجتمع گاز پارس جنوبی آغاز شد

به گزارش خبرنگار شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، محمد شفیع موذنی، در این باره گفت: تعمیرات اساسی در پالایشگاه‌ها با توجه به اهمیت دسترس‌پذیری و قابلیت اطمینان تجهیزات پالایشگاهی به منظور حفظ تولید حداکثری مستمر و نیز حفظ ارزش‌های دارایی‌های فیزیکی پالایشگاه با تمرکز بر رعایت کلیه دستورالعمل های اچ‌اس‌ئی در جهت نیل به اهداف استراتژیک و دستیابی به اهداف زیست محیطی، برنامه ریزی و اجرا می گردد.



موذنی در این باره تصریح کرد: مطابق با برنامه سالانه عملیات تعمیرات اساسی در پالایشگاه‌ها، دوره فعالیت تعمیراتی سال جاری پالایشگاه سوم از دوشنبه (۲۹ خردادماه) به منظور برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از میدان مشترک، حذف توقف کلی پالایشگاه، کاهش زمان تعمیرات اساسی و هماهنگ با زمان تعمیرات مورد درخواست سکوهای دریایی به صورت فازی آغاز و به مدت ۱۶ روز برنامه ریزی و ادامه خواهد داشت.

وی افزود: مدیریت منظم و مؤثر بر دارائی‌های فیزیکی با برنامه‌ریزی دقیق بر اهداف انجام تعمیرات اساسی امسال با اجرای بیش از ۶۸۵ دستور کار اصلاحی و پیشگیرانه برنامه‌ریزی گردیده و آینده نگری در تعویض برخی از قطعات مهم فرایندی، اهتمام به مدیریت دارائی های فیزیکی و کسب مزیت رقابتی را می توان از مشخصه های تعمیرات اساسی سال جاری پالایشگاه سوم پارس جنوبی است.

زندگی آگاهانه

استعداد یا تلاش

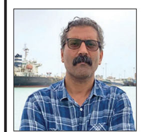
حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



دکتر اندرس اریکسون پژوهشگر سوئدی و نویسنده کتاب قله با بررسی آزمایشگاهی یادگیری برخی رشته‌ها و همین‌طور زندگی نوابغ بشری به این نتیجه رسیده است که ژنتیک صرفا در ویژگیهای فیزیکی مانند اندازه بدن نمود دارد و چیزی به نام استعداد ذاتی وجود ندارد. در عوض مقدار زمانی که هر فرد به انجام یک کار اختصاص می‌دهد بیشترین تاثیر را در یادگیری آن دارد. همچنین افرادی که در زمینه‌ای بیشتر کار می کنند نه تنها مهارتشان بیشتر می‌شود بلکه مغز آنان هم با ساخت مسیرهای عصبی بیشتر و اختصاص بخشهای بیشتری به آن فعالیت قویتر می‌شود. به بیان ساده‌تر با تلاش بیشتر با استعدادتر می‌شوید. البته موضوعی به نام انعطاف‌پذیری عصبی وجود دارد که با بالا رفتن سن از آن کاسته می‌شود. هرچند حتی در سنین کهولت هم انعطاف‌پذیری عصبی وجود دارد. بنابراین اگر فردی مقدار تلاشی که لازم است تا در رشته خود در سطح جهانی برجسته شود را از سنین کودکی شروع نماید دیگر سدی به نام استعداد در مقابل او وجود نخواهد داشت. مثلا موزارت در چهار سالگی حداقل چهار ساز را می‌نواخته است. چون پدرش از دو سالگی با او کار می‌کرده است. یا روانشناسی مجارستانی به نام لازلو پولگار در دهه هفتاد میلادی برای این‌که ثابت کند استعداد ذاتی وجود ندارد تصمیم گرفت فرزندانی به دنیا بیاورد و با آموزش صرف شطرنج آن‌ها را به نوابغ این رشته تبدیل کند. او صاحب سه دختر به نام‌های سوزان، سوفیا و جودیت شد و همه آنها را به استاد بزرگ شطرنج و قهرمان جهان تبدیل کرد. اریکسون همچنین معتقد است که تمرین باید آگاهانه باشد یعنی همراه با تمرکز، بازخورد، اصلاح، زیر نظر مربی و به‌صورت تدریجی به سختی آن اضافه شود. موضوع دیگری که تا کنون گمراه کننده بوده است تست هوش است. همچنان خیلی‌ها فکر می کنند تست هوش معیاری برای رده‌بندی استعداد افراد است. درحالیکه تست هوش صرفا فرد را در همان زمینه‌ها مانند یادگیری تحصیلی می‌سنجد نه موضوعات دیگر. حتی ثابت شده است هوش بالا در رشته‌ای مانند شطرنج که به شدت فکری است هم صرفا در ابتدای راه تاثیر دارد. در ادامه کسانی که بیشتر تمرین و تلاش کرده‌اند از باهوشها پیشی گرفته‌اند. نتیجه این بحث این‌که کسانی که در کودکی به موضوعی علاقه داشته و در آن تمرین و تلاش بیشتری کرده‌اند سرآمد رشته خود شده‌اند و جامعه آنها را به عنوان استعداد ناب یا نابغه می‌شناسد. موضوع دیگر این‌که حتی نوابغ هم صرفا در همان زمینه‌ای که خیلی کار کرده‌اند سرآمد هستند. در زمینه‌های دیگر انسانهایی کاملا معمولی‌اند. این موضوع نشان‌دهنده این است که آن‌ها صرفا زمان و تلاش بیشتری را به آن فعالیت اختصاص داده‌اند. با توجه به این‌که مهم است بخش بیشتری از تلاش‌ها در دوران کودکی انجام شود در نتیجه هر کسی حداکثر وقت دارد در یکی دو زمینه برجسته شود. خلاصه این بحث این‌که اگر دوست دارید در رشته‌ای علمی، هنری یا ورزشی موفق شوید بدانید که چیزی به نام استعداد ذاتی وجود ندارد. کافی است آن مقدار زمان مورد نیاز را به انجام تمرین آگاهانه آن فعالیت اختصاص دهید. البته هرچقدر از سن پایین شروع نمایید بدلیل انعطاف‌پذیری مغزی و وقت آزاد بیشتر سرعت یادگیری بیشتری خواهید داشت.

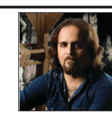
احوال گذشته ساز...

حسام حق پرست



صدای جاودان یاد استاد عبدالوهاب شهیدی؛
بلال بلالم...
نماد و نشانِ تمام آوازها و ترانه های بختیاری ها و بویراحمدیها...
این اثر را با تنظیم استاد جواد معروفی سالیان پیش تر شنیده بودم! اخیراً هم مجدد به سراغش رفتم و در غروبی پُر از دریای بوشهر آن را شنیدم.
چند باری تکرار شد... وَ تکرار... تکرار آن همه زیبایی... همه ی اجزا کار کامل؛ صدای منطقی و پُر احساسِ شهیدی، ارکستر، تنظیمِ نغمه ی زیبای بلال بلالَ!
نگاه و پرداخت علمی و فنّی به موسیقی نواحی!
هر بار بی مانند و تأثیر گذار! چه باید گفت؟
چه می توان نوشت از آن روزگارِ سپری شده ی با وقارِ موسیقی...
شکل و شمایل با متانتِ موسیقی!
براستی این چه بزرگانَ بودند!؟
چه موسیقی ها که تدوین و تنظیم شد؛کامل و فنّی!
چه شنوندگانی؛ که هر یک قدرشناس آثار بودند!
وَ جماعتی که مقام و مرتبتِ ساز و آواز را با همه کاستی های تاریخی حول این هنر امّا درک کرده بودند! چه منابع موسیقی کیفیّت داشت!
چه ساز و آواز دچارِ عقلانیّت بود!
چه این که بزرگانَ مان می گفتند:
معقول باش!در زندگی و موسیقی جاری بود!
چه موسیقی در همه احوال و همه ی انواعش خوب بود! چه حُسنِ اقبالی که اوراق جاودانه ای مانند گلستان سعدی وَ غزلیات حافظ برای موسیقی ثبت شد وَ ورق خورد تا بماند و بماند و بماند به روزگاران چه حالا و امروز این خود همیشه هوای تازه ای ست در تاریخِ موسیقی ایران.

شهراد میدری



ممنون، خدا خیرت دهد، من شر نمی‌خواهم برو
دست از سرم بردار، دردسر نمی‌خواهم برو

ای قد و بالا مرمری، ای دلرباتر از پری
بیخود چرا دل می بری، دلبر نمی‌خواهم برو

مشتاق من را دیدن از کالسکه ات پایین نیا
من دختری در زیر باران تر نمی‌خواهم برو

زحمت نکش، عشوه نیا، ابرو برایم کج نکن
چاقوی دسته دار یا خنجر نمی‌خواهم برو

سیب و انار آورده ای، انجیر بار آورده ای
ممنون ولی من میوه ی نوبر نمی‌خواهم برو

گیرم که تو گنجینه‌ای؛ الماسی و زر، خب که چه؟
من بی نیاز ثروتم، گوهر نمی‌خواهم برو

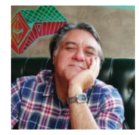
نه تو "ماتیلدا"یی نه من "پابلو نرودا"ی توام
آغوشِ باز و چشمِ ناز و شر نمی‌خواهم برو

کمتر نشان کن در خیالاتت برای من نگین
بابا مگر زور است انگشتر نمی‌خواهم برو

هرچند داری نقش خود را خوب بازی می‌کنی
شرمنده ی لطفِ تو، بازیگر نمی‌خواهم برو

لازم نکرده باز بنویسی : "سلام ای بهترین"
یک واژه هم از تو در این دفتر نمی‌خواهم برو

خندیدی و گفتی بداخلاقی نمی آید به تو
گفتم قبول اما تو را دیگر نمی‌خواهم برو



معرفی ده فیلم کاندیدا و برنده نود و پنجمین دوره اسکار

بهترین فیلم‌های ۲۰۲۳

مهدی غضنفری

۱- تار Tar (تاد فیلد) :

بازی و بازی محشر "کیت بلانشت" (اسکار بهترین بازیگر زن عطا کردن به "میشل یئو" بازیگر چینی آمریکایی فیلم "همه چیز همه جا همزمان" روشفکرانه و دیپلماتیک بود اما نهایت بی معیاری سینمایی و بی سلیقگی نیز بود.) همراه با طراحی صحنه و کارگردانی فوق العاده. فیلمی درباره یک رهبر ارکستر سمفونیک. یک بانوی آرتیست مقدر. آشنازدایی با جنبش می تو. (این بار زن قدرتمند است که اعمال قدرت می‌کند.) بهترین فیلم از جمع ده فیلم کاندیدای اسکار بهترین فیلم که در هیچ زمینه ای حقش داده نشد.
(با تاکید جالب است، دیده شود)



۲- الویس

Elvis (باز لورمان)
بازی عجیب و حیرت انگیز "آستین باتلر" در نقش الویس پریسلی(اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد عطا کردن به "برندن فریز" بازیگر مرد فیلم نهنگ "The Whale اوج نهایت بی معیاری سینمایی و بی سلیقگی بود. اسکاری که بیشتر مربوط به چهره پردازی بود تا بازیگری!) همراه با تدوینی پرشور! و طراحی صحنه و لباس و کارگردانی استاندارد.
(با تاکید جالب است، دیده شود)

۳- در جبهه غرب خبری نیست

All Quiet on the Western Front
(ادوارد برگر)
فیلم محصول آلمان است. بازی "دانیل برول" بازیگر نقش اول فیلم موثر است.کارگردانی و کارگردانی صحنه های نبرد چشم گیر است. طراحی صحنه و فیلمبرداری چشم نواز. اقتباس ادبی.فیلمی ضد جنگ. (جالب است، دیده شود.)

۴-ارواح شوم اینیشرین

The Banshees of Inisherin
(مارتین مک دونا)
بازی فوق العاده دو بازیگر فیلم "کالین فارل و برندن گلیسون". فیلمبرداری چشم نواز. فیلمی استعاری درباره ایرلند جنوبی و شمالی. نقش و حضور استعاری الاغ که ادامه ای بر الاغ های تاریخ سینماست.کمدی سیاه. (جالب است، دیده شود.)

۵-خانواده فیبلمن

The Fabelmans (استیون اسپیلبرگ)
فیلمی زندگی نامه ای. بازی "میشل ویلیامز" در نقش مادر کارگردان و بازی "دیوید لینچ" کارگردان مشهور و خالق "بزرگراه گمشده و جاده مالهالند" در نقش "جان فود" کبیر جالب است. سکانس پایانی و دیدار اسپیلبرگ جوان با جان فورد در خاطره می ماند. خانواده فیبلمن از اوج های کارگردانش خیلی فاصله دارد.
(با تسامح جالب است، دیده شود.)



۶-حرف های زنانه

Women Talking (سارا پولی)
برنده اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی.بازی متعادل گروه بازیگرانِ اغلب زن فیلم. حضور متواضعانه "فرانسیس مکَ دورمند" بازیگر مشهور به عنوان بازیگر و تهیه کننده. فیلمی تاریخی طور و پر دیالوگ درباره احقاق حقوق زنان و کوشش هایشان در چارچوب باورهای مذهبی در اقلیمی خاص. (با تسامح جالب است، دیده شود.)

۷-آواتار، راه آب

Avatar: The Way of Water (جیمز کامرون)
قسمت دوم آواتار(۲۰۰۹).فیلم جلوه های ویژه. سکانس های اکشن پایانی خیلی نفس گیر است.
(با تسامح جالب است، دیده شود).

۸-تاپ گان، ماوریک

Top Gun: Maverick (جوزف کوشینسکی)
قسمت دوم تاپ گان(۱۹۸۶). کماکان حضور "تام کروز" الهام بخش است.! فیلمی کلیشه ای.
(اصراری نیست، دیده شود).



۹-مثلث غم

Triangle of Sadness (روبن اوستلوند)
فیلم محصول بلژیک است. برنده نخل طلای جشنواره کن.! فیلم انسجام ندارد و حداقل دوباره است اما تفسیر خورش خوب است!فیلم به هر تفسیر جامعه شناسانه تا فمنیستی راه میدهد. در فیلم چند دقیقه ای همه کاراکترهای فیلم به گونه ای چندش آور بالا می آورند تا تماشاگر نگون بخت بشدت شیر فهم شود که به له ! این جهان به چنین مرحله ای رسیده است.فیلم ظاهرا کمدی (کمدی سیاه) است اما بیش از آنکه بخنداند عصبانی می کند! (اصراری نیست، دیده شود).

۱۰-همه چیز همه جا همزمان (به یکباره)

Everything Everywhere All at Once
(دنیل کوان و دنیل شاینرت)
برنده اسکار بهترین فیلم.! همراه با کوله باری از جایزه و تقدیر از همه جا هم زمان.! فیلم اثری پرزحمت و مبتنی بر تدوین است اما رسما آش شُلِ قلمکار هم است.! فیلم انسجام ندارد اما تفسیر خورش خوب است.! (فیلم به هر تفسیری راه می‌دهد.) ظاهرا کمدی (کمدی سیاه) است اما بیش از آن‌که بخنداند عصبانی می‌کند.!
(اصراری نیست، دیده شود.)

«گروه فشار قدیم» در کنسرت لیان بوشهر در تهران

بخش عمده حواشی دامن‌گیر کنسرت‌های موسیقی در ایران در روزهای اخیر را گروهی رقم زدند که شامگاه جمعه، ۲۶خردادماه با حضور در برابر تالار وحدت قصد ورود به این تالار و برهم‌زدن کنسرت گروه موسیقی لیان را داشتند. اتفاقی که با واکنش به‌موقع حراست این مجموعه و در ادامه ورود نیروی انتظامی، از آن با تیتر «ناکام ماندن عوامل خودسر برای به‌تعطیلی‌کشاندن کنسرت گروه لیان» یاد شد. حضور عوامل خودسر در کنسرت‌های موسیقی و تلاش‌شان برای به‌تعطیلی‌کشاندن آن اما موضوعی مربوط به دیروز و امروز نیست و آن‌طور که شریفیان هم در صفحه اینستاگرامش نوشت، به‌عنوان‌مثال لیان طعم تلخ این اتفاق را در سال ۱۳۹۳ هم چشیده بود. او با اشاره به این موضوع، نوشت: «برای گروه ۳۰ساله ما زیاد از این اتفاق‌ها افتاده... از تهدیدهای بسیار تا حمله و زدوخورد و در بهترین حالت قطع صدا و برق...»
روابط‌عمومی بنیاد رودکی هم در مطلبی که برای رسانه‌ها ارسال شد در این مورد توضیح داد: «فردی شناخته شده در برهم‌زدن برنامه‌های هنری برای دقایقی اندک در بیرون از تالار و خیابان شهریار (پهنه رودکی) به ایجاد هیاهو پرداخت که این‌امر با حضور به‌موقع ماموران نیروی انتظامی تحت کنترل قرار گرفت.»
مهدی سالم، مدیرعامل بنیاد رودکی، به عنوان یکی از افراد مطلع از آن‌چه در کنسرت گروه موسیقی لیان گذشت، در گفت‌وگو با «هم‌میهن» به شرح واقعه پرداخت و این‌گونه گفت: «همان‌طور که اجرای موسیقی تابع قوانین است، تماشای آن هم تابع قوانین است و اگر کسی بخواهد در هرکدام از این حوزه‌ها برخلاف قوانین عمل کند، با او برخورد خواهد شد. در حوزه تماشاگران اگر کسی، در کمال تاسف به‌عنوان مثال در وضعیتی غیرعادی قرار داشته باشد، در مبادی ورودی سالن از ورودش جلوگیری خواهد شد تا آرامش دیگر تماشاگران به‌هم نخورد. در کنار این مسئله، اگر کسی یا کسانی قصد ورود به سالن را داشته باشند و بخواهند آرامش تماشاگران را مختل کنند، باز هم با آنها برخورد خواهد شد.»
سالم با بیان این‌که به نظرش این مسئله دو روی یک‌سکه است و هردو خلاف‌قانون است، افزود: «درواقع هم کار آن تماشاگرانی که حالتی عادی ندارند و اقدام به برهم‌زدن نظم کنسرت می‌کنند خلاف قانون است و با تذکر همکاران ما در سالن مواجه خواهند شد و اگر به این تذکر بی‌اعتنا باشند به بیرون از سالن هدایت می‌شوند، هم کار کسانی که می‌خواهند با رفتاری غیرمنطقی از بیرون وارد سالن شوند و کنسرت را به تعطیلی بکشانند خلاف قانون است و باز هم با ممانعت همکاران ما مواجه خواهند شد. چرا که هدف هر دو سوی ماجرا به‌مخاطره‌انداختن امری است که می‌تواند موجب شادابی، امید و نشاط در جامعه شود. آن‌ها می‌دانند که جامعه‌ای غمگین و ناامید بسیار تحریک‌پذیرتر از جامعه‌ای شاد و امیدوار است و هدف‌شان افزایش میزان این تحریک‌پذیری و استفاده از آن در مقاطع زمانی مشخص در راستای اهدافی مشخص است.
پس هم کار کسانی که به هنرمندان فشار می‌آورند و به عادی‌سازی متهم‌شان می‌کنند، هم کار کسانی که با انتشار تصاویری غیرواقع قصد القای این‌مسئله را دارند که شاهد آن‌چه بی‌بندوباری می‌نامندش در این رویدادها هستیم و هم کار کسانی که قصد ورود غیرقانونی به این رویدادها را دارند؛ در راستای ضربه زدن به هنر، هنرمندان و جامعه است.»

نسیم جنوب

سه شنبه ۱۴۰۲/۳/۳۰ ■ شماره ۱۰۴۶

میهمان آسمان نیلی رنگ، امواج دریا و ساحل زیبای بوشهر

نوشته سالار شهنواز – فرزند جاودان یاد همایون شهنواز



روز جمعه ۱۲ خرداد به قصد سفر به بوشهر و دیدار مردم مهان نواز بوشهر و دلوار و زیارت خاک پدر بزرگوارم، عازم فرودگاه مهرآباد شدم.

حدود ظهر به بوشهر رسیدم و مستقیم به میدان ریسعلی دلواری رفتم. حال و هوای شهر برایم جالب و دیدنی بود. ظهر روز جمعه در خرداد ماه هوا به شدت گرم ولی درخشش آفتاب، آسمان نیلی رنگ، امواج دریا، زیبایی ساحل بوشهر بسیار مسحورکننده بود. آنچنان که متوجه گذشت زمان نشدم. پیاده در حاشیه ساحل می گشتم و می‌رفتم و از این منظره بی بدیل عکس می گرفتم. خود را نزدیک رستوران میداف یافتم. صرف ناهار در محیط آشنایی که سه سال پیش برای اولین بار به همراه دوست عزیزمان آقای یوسفی رفته بودم، خاطرات شیرینی را یادآور بود. بعد از ناهار، پیاده به طرف هتل جهانگردی دلوار در بوشهر نزدیک میدان رئیسعلی دلواری به راه افتادم، در میانه راه، جوان خوش برخوردی که حدس زده بود من مسافر هستم، من را سوار ماشینش کرد و با وجود اصرار من، با مهمان‌نوازی خاص مردم بوشهر، بدون دریافت وجهی من را به هتل رساند.

با توجه به مدت زمان کوتاهی که قرار بود در بوشهر باشم، بعد از استراحتی مختصر با آقای زمانی و و آقای ترک زاده تماس گرفتم و همراه آنها به بازدید از نمایشگاه گروهی هنرمندان شهر رفتیم و از آثار عکاسی، نقاشی و طراحی سیاه قلم در خور توجه دیدن کردیم. گشت و گذار در خیابانهای بوشهر، بوی دریا، غروب آفتاب در آسمانی که هر دم به رنگی زیبا در می آمد، قایق هایی که در کناره ساحل لنگر انداخته تا برای فردایی دیگر آماده شوند، مردم که در گوشه و کنار به گپ و گفتگو مشغول بودند و بچه هایی که در آب آب‌تنی می‌کردند همه و همه، برایم بسیار جذاب و دیدنی بود. به همراه آقایان ترک زاده و



زمانی و مهدی‌زاده به محله های قدیمی شهر و نقاطی که شادروان پدرم برای فیلمبرداری سریال دلیران تنگستان انتخاب کرده بود، از جمله محله کوتی سر زدیم.

صبح روز شنبه ۱۳ خرداد به قصد پیگیری طرح بازسازی یا ساخت آرامگاه مرحوم پدرم، همراه آقایان ترک زاده، مهدی‌زاده و زمانی به استانداری و میراث فرهنگی رفته و با مدیرکل میراث فرهنگی استان بوشهر، آقای سجادی، ملاقات کردیم. ایشان ما را به گرمی پذیرفتند و قرار شد با توجه به بودجه قابل توجهی که دریافت کردند، مراحل کار بازسازی موزه رئیسعلی دلواری و آرامگاه مرحوم پدرم را طی چند ماه آینده شروع کنند.

بعد از جلسه که بسیار نتیجه بخش بود، به سمت دلوار حرکت کرده و در آن‌جا با شهردار دلوار، آقای توسلی، در ساختمان شهرداری نیز جلسه ای در همین زمینه داشتیم و سپس آقای زمانی ما را برای صرف ناهار به منزلشان دعوت کرد. سفره ای رنگین و با سلیقه در خانه ای گرم و صمیمی انتظارمان را می کشید. خانم زمانی با محبت با انواع غذاهای محلی از جمله قلیه ماهی بسیار خوشمزه و رنگینک بسیار دلچسب، از ما پذیرایی کردند. ساعتی خوش در کنار خانواده آقای زمانی فراموش نشدنی است.

بعد از ناهار به سمت کلوت‌های دلوار حرکت کردیم و سپس بر سر مزار مرحوم پدرم فاتحه خوانده و با یادی از دلاوریهای «دلیران تنگستان» به موزه رئیسعلی دلواری سری زدیم. در آن‌جا آقای شاکر به ما خیر مقدم گفته و ما را به داخل موزه راهنمایی کرد. متاسفانه بعد از حدود ۵ سال بخش بزرگی از اقلامی که یادگار پدرم در ارتباط با ساخت سریال دلیران تنگستان بود، از جمله مجموعه عکسهای پشت صحنه و بعضی از ملزومات فیلمبرداری و صحنه آرایی تقدیمی به موزه، برخلاف انتظار هنوز به نمایش درنیامده و اثری از آثار آن‌ها دیده نمی‌شد.

در پایان دیدارمان از موزه با آقای زمانی خداحافظی کرده و به بوشهر برگشتیم و پس از گشت و گذاری کوتاه در بوشهر به همراه آقایان ترک‌زاده و مهدی‌زاده عازم فرودگاه شدیم تا به تهران برگردم. هر چند که زمان به سرعت گذشت اما مهربانی مردم پاک و خالص این خطه از میهن عزیزمان فراموش نشدنی است.

با نی جفتی محسن حیدریه؛ قطعه«خیام خوانی شبدیز» رونمایی شد



محسن حیدریه سرپرست گروه موسیقی شبدیز و مدیر موزه موسیقی بوشهر در همین رابطه گفت: ابتدا تصمیم گرفتیم که رونمایی از قطعه "خیام شبدیز" برای ۲۸ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم عمر خیام برگزار کنیم، ولی بر آن شدیم که بر روی قطعه ای اثر بخش و متفاوت از حوزه موسیقیایی بوشهر کار کنیم. بی شک خیام خوانی از جایگاه ویژه ای میان مردم بوشهر برخوردار است و از آنجا که هدف گروه تولید قطعه‌ای فاخر و با سبک جدید بود تولید و رونمایی اثر را با تاخیری یک ماهه در بیست و پنجم خرداد ماه ۱۴۰۲ انجام شد. تا بتوانیم ضمن حفظ و شان اشعار خیام در راستای باز تولید اینگونه قطعات همت ورزیم. مدیر موزه موسیقی از فعالیت های جنبی موزه و آموزش گروه شبدیز یاد کرد و گفت ارکان مختلفی در اجرای خیام خوانی از جمله یزله، ریتم «شپ» زدن، ضرب گرفتن، هم آوایی و همراهی گروه و مخاطب در ایجاد شور و هیجان و حتی دمیدن نفس در نی جفتی و از همه اینها مهمتر خوانش صحیح اشعار توسط خواننده وجود دارد که سپردنش به دست صاحب اصلی آن که خود مردم هست از جنبه های مهم تنظیم این قطعه است.

سرپرست گروه موسیقی شبدیز اظهار کرد: قطعه "خیام شبدیز" با هفت دقیقه و چهل ثانیه به خوانندگی حیدر احمدی، نوازندگی نی جفتی توسط محسن حیدریه و سازهای ضربه‌ای آن با هنرمندی مهدی گلستان، رضا زنده‌بودی، محمد راستی، اسماعیل تنگسیری و محمد حسن کامرانی فر اجرا شده است.

گروه موسیقی شبدیز تاکنون سه آلبوم "بندریانه" ، "گنج ناخدا" ، " عطر دریا" و قطعه "خیام شبدیز" ضبط و تولید نموده است. در آئین رونمایی از قطعه خیامی شبدیز با سخنرانی افشین نوشزاد، عباس شاه پیری، حماسه حق پرست، شاهین بهرام نژاد همراه شد. گفتنی است موزه موسیقی با توجه به پیشینه و سوابق موسیقی بوشهر و غنای موسیقایی این استان و تنوع نواهای موسیقی در خطه جنوب با هدف نگهداری ادوات و جنبه های مختلف موسیقی محلی که از دیرباز در بین مردمان این دیار دارای ارزش فرهنگی و تاریخی بوده اولین موزه موسیقی بوشهر، در سال ۹۸ افتتاح شد.

در این موزه ادوات و وسایل موسیقی جنوب و بوشهر از ابتدایی‌ترین ساز تا بروزترین تجهیزات موسیقی محلی جنوب برای علاقه مندان به معرض نمایش گذاشته شده است.

از دیگر وسایل موجود در این موزه می‌توان به ادوات موسیقایی جشن و آیین‌های شادی، موسیقی عزا و سوگواری، نی‌مه خوانی جاشوها و صیادان اشاره کرد. مستند نگاری، ثبت و ضبط میراث ناملموس در حوزه موسیقی بوشهر از دیگر اهداف تاسیس این موزه است.

قصه کوتاه

تک پرده ای

شاهرخ تنگسیری



کافهِ بازار. یک میز رزرو شده همیشگی، یکِ صندلی چوبی با تکیه گاه بلند کنارِ پنجره مشرف به پیاده رو تنها خیابان اصلی بندر، مشتریِ همیشگی مرد سالخورده قد بلند با پالتو پشم و کلاه شاپو و چتر مشکی دسته چوبی که همراه همیشگی مرد در تمام فصول سال است، کافه چی کرو لالِ سبیلو با چشمهای درشت و موهای فلفل نمکی در تاریک و روشن نور فانوس بالای سرش از پشت میز پیشخوان تنها با ایما و اشاره به مشتریان تازه وارد خوش آمد می گوید و فنجان‌های سفارش شده مشتریان را پر می کند، همهمه مشتریان و خیل کارگران خسته بارانداز، ملوانها و ناخدایان کشتی های تجاری لنگرگاه که در جای جای کافه دنج و عمومی بندر در پشت دود غلیظ و بوی تند توتون سیگارهاشان نشسته‌اند، گاه با خنده‌های بلند و پیاپی با زبان‌ها و گویش‌های مختلف از سفر، خستگی و دلتنگی شان میگویند و گاهی با تنها نوازنده گیتار کنج کافه همخوانی می کنند و با کوبیدن پاشنه کفش‌هاشان بسان کولی ها می‌رقصند و لذت می‌برند، نطق‌های تکراری مینای فراموش شده در قفس که بر تیرک داخل قفسش به عادت همیشگی سری تکان می‌دهد تا همه فکر کنند او هم خوشحال است و میرقصد. نور ضعیف شمعی که در وسط میز مخصوص دورهمی شاعران و دانشجویان جوان، شاهد خوانش اشعار و آخرین شاهکار امیلی برونته و بحث های داغ سیاسی و فلسفی که در دیالوگ‌هایشان رد و بدل می‌شود فضای کافه را برای هر مشتری تازه واردی دوچندان جذاب و بعدها به عادت تبدیل می کند.

مرد : آهای پسر.

جوان :بله قربان.

مرد : یک فنجان قهوه تلخ با شربت نعنا .

جوان : همراه برگ پونه سبز تازه همیشگی قربان؟

مرد: آره ، هاهاهاها ، تو چقد حافظه خوبی داری پسر.

جوان : عادته قربان.

مرد: عادت، عادت، آه پس چرا من همیشه عادتمو فراموش می‌کنم که دفعه قبل چی سفارش دادم و تو ...

جوان : ولی قربان ...

مرد میان حرفش می‌پرد و نمی‌خواهد مغلوب زیرکی جوان شود.

مرد : کافیه، برو، برو قهوه منو بیار.

جوان: بله قربان، دیگه امری ندارید؟

(مرد در حالی که سعی می کند چیزی بخاطر بیاورد پیشانیش را با دست می‌فشارد)

مرد: آهان، راستی یک چیزی یادم اومد...

بلافاصله، جوان: بله روزنامه باطله حوادث همیشگی تان قربان.

مرد: تو هم فکر می کنی من دچار آلزایمر شدم؟

جوان: ولی قربان من اصلا راجع به شما این‌طور فکر نمی کنم.

مرد ابروهایش را در هم می کشد و به اعتراض میگوید:

مرد : اینقدر به من نگو قربان ، بله قربان، خیر قربان . تو منو یاد اون سرباز می‌ندازی اسمش چی بود؟

جوان: رایان قربان، سرباز رایان ، (مکث کوتاهی میکند و ادامه میدهد): ولی دیروز هم همین اسمو از من پرسیدین نه قربان؟ ، راستی بنظرتون اون سرباز نجات پیدا می کنه؟

مرد همانطور که پیپش را پراز توتون می کند: آه البته پسرم، برخلاف جنگ‌های بی پایان آدم‌ها با درونشون، جنگ ارتش‌ها یک روز با اعلام آتش بس تموم میشه ، جنگ چیز خوبی نیست ، مرگ و وحشت و ویرانی و عادت‌های بد با خودش میاره، حالا برو بکارت برس.

(فندکش را روشن می کند پک‌های پیاپی عمیقی به پیپ میزند و غرق در خاطرات به پنجره مشرف به خیابان خیره میشود، تواماً صداهایی آمیخته با مارش جنگی و رژه نظامی، آژیر سفید و اعلام آتش بس، ازدحام آدمهای پیاده رو، صدای سوت های ممتد پاسبان‌ها که دله دزدهای بارانداز را در کوچه های تنگ و تاریک تعقیب می کنند همه در مخیله مرد تکرار میشود، آخرین جرعه قهوه را در حالی که به نوشته‌های روزنامه خیره شده است سر می کشد ، کلاهش را بر سر میگذارد ، حساب میز و انعام جوان را مطابق عادت همیشگی روی میز می گذارد و با اشاره دست با او خدا حافظی می کند.

جوان مودبانه تعظیم می کند و می گوید : بازهم بیائید آقا.

مرد : بله ، البته قربان.



شورش‌های دهقانی مناطق شبانکاره و زیراه در دوره پهلوی(۳)

اوج شورش‌ها در شبانکاره وزیراه

دکتر حمیداسدپور

مرحله سوم خیزش‌ها و شورش‌های دهقانی مناطق شبانکاره و زیراه در دوره پهلوی از سال ۱۳۳۴.ش به آرامی آغاز شد و در سال‌های پس از آن به اوج خود رسید. در سال ۱۳۳۴.ش کشاورزان و باغداران این نواحی با ارسال تلگراف‌های متعددی به مراکز مختلف، از خوانین و حتی نیروی ژاندارمری که حامی این خوانین بود، شکایت نمودند. دهقانان با حضور در تلگرافخانه، ضمن آن‌که شکایات و اعتراضات خود را به مرکز کشور می‌رساندند، سعی در حفظ جان خود در برابر خوانین و مأموران نظامی نیز داشتند. دهقانان و زارعین اعتقاد داشتند که با وجود آن‌که بسیاری از مقامات در پایتخت، فرمان عدم مداخله زاندارمری درباره این امور در شبانکاره و زیراه را صادر کرده بودند، با این وجود، نیروهای نظامی به حمایت از خوانین ومالکان بزرگ می‌پرداختند(ساکما،۲۹۳/۱۰۹۲۴).

پس از مدتی، بسیاری از مقامات استان فارس و به ویژه دادگستری بدون توجه به وضغیت دهقانان، به ژاندارمری دستور مداخله دادند که این مداخله به سود خوانین بود(ساکما،۲۹۳/۱۰۹۲۵).

در سال ۱۳۳۵ش و در زمانی که مردم احساس نمودند که به حقوق خود دست نیافته‌اند، شورش‌ها را وارد مرحله جدیدی نمودند. در این زمان حتی کشاورزان و باغداران زیراه، مردم را به طور آشکارا به قیام علیه خوانین فراخواندند و برخی از آنان مانند سید حسن موسوی‌نژاد مردم را با طبل و دهل به مبارزه علیه خوانین دعوت می‌کردند و برخی از دهقانان در اعتراض به بهره مالکانه چهل درصدی، به آتش زدن محصولات و خرماهای جمع‌آوری شده پرداختند(ساکما، ۳۵۰۰/۹۰۴۵). کمی پس از این وقایع، مردم این نواحی در تلگرافخانه شبانکاره تحصن کردند که منجر به حضور دکتر احمد سعادت، مأمور وزارت کشور به همراهی آقای قوامی فرماندار بنادر در این ناحیه شد تا به رفع اختلافات مردم و خوانین اقدام کنند (ساکما، ۳۵۰۰/۹۰۴۸). در نامه‌ای دیگر از مردم این نواحی که حکایت از ظلم و ستم به خوانین دارد ،گروهی از مردم به مسئولین حکومتی اعلام می‌دارند که «استدعا داریم در صورتی که ماهای بدبخت و بیچاره که وجودمان در این آب و خاک لازم نیست و عدم‌مان بهتر از وجودمان است دولت مقرر فرماید که تمام ماها را به مسلسل ببندند که هم به میل و نفع آقایان خوانین باشد و از طرفی هم خود این فدویان از دست این طور فشارها و ظلم راحت شویم». بر خلاف این شورش ها و تقاضاهای مردمی، برخی از عوامل حکومتی در زیراه و شبانکاره تلاش داشتند تا با حمایت از خوانینی مانند ملك منصور، اقدامات کشاورزان و باغداران را بسیار کوچك و جزئی نشان دهند و طی تلگرافی به فرمانداری دشتستان، بهره مالکانه را چهل درصد عنوان نموده و اعلام داشتند اکثریت مردم از این اوضاع اظهار رضایت دارند و هیچ گونه نارضایتی عمومی وجود ندارد (ساکما،۲۹۳/۱۰۹۲۷). در این سال‌ها، نارضایتی‌ها و شورش‌ها چنان به اوج خود رسید که بسیاری از باغداران و کشاورزان زیراه و روستاهای اطراف آن، به آتش زدن خرماهای جمع آوری شده پرداختند. به ویژه نارضایتی شدید مردم از عملکرد خراس بود که مقدار محصول را بسیار غیر واقعی برآورد کرده بود. با شکایت خوانین، قوای نظامی وارد نخلستان ها شد و تعداد چهل و پنج نفر دستگیر و راهی برازجان کردند(ساکما، ۲۹۳/۹۷۹۲). تعدادی از کشاورزان، پس از چند روز آزاد شدند و عده‌ای از آنان نیز مقرر گردید که با قرار وثیقه آزاد شوند (ساکما،۲۹۳/۹۷۹۵).

از مهم‌ترین حوادث این دوره، حادثه جاقاش است. این حادثه در زمانی روی داد که رعایا به طور کامل از پرداخت بهره مالکانه چهل درصدی که آن را بسیار ظالمانه می‌دانستند، سر باز زدند و خوانین نیز به نیروی نظامی و نیروهای دولتی متوسل گردیدند. در این حادثه، در محلی موسوم به جاقاش، اردشیرخان با مردمی که رهبری آنان بر عهده حاج سید اسماعیل و حاج سید جواد مهدوی بود، برخورد نمود. تلاش‌های نیروهای نظامی دولتی جهت متفرق نمودن مردم، بی‌نتیجه ماند و منجر به درگیری میان آنان با مردم شد. در این حادثه عده‌ای کشته و مجروح گردیدند



(اسدپور،۱۳۹۲: ۱۰۰).

در سال ۱۳۳۶.ش برخی از نزدیکان این خوانین، احساس نمودند حتی حقوق آنان نیز رعایت نمی‌شود. به ویژه خوانین در دریافت مالیات ها و نوبت آبدهی محصولات هر گونه تعدی را روا می‌داشتند و در نتیجه، آنان نیز به صفوف معترضان پیوستند. حادثه گله‌میرو، اوج قیام‌های دهقانان و باغداران این ناحیه در این سال است. این قیام شدیدتر و گسترده‌تر از واقعه جاقاش بود و باعث شد که ژاندارمری با خشونت هر چه تمام‌تر به سرکوبی معترضان و حمایت از خوانین اقدام نماید. در این حادثه چند نفر کشته و تعداد فراوانی دستگیر شدند. ژاندارمری در سرکوبی معترضان حادثه گله‌میرو از انواع سلاح‌ها بهره برد (اسدپور،۱۳۹۲:۱۰۲). شورش‌ها و قیام‌های این نواحی تا سال‌های بعد هم تداوم یافت و بارها کشاورزان و باغداران با تحصن در تلگرافخانه، خواستار رسیدگی به وضعیت خود از سوی پایتخت‌نشینان شدند. چنان که در یکی از این تلگراف‌ها، معترضان عنوان داشتند«که چند نفر اخلالگر مفسده به نام ملك منصور و اردشیرخان شبانکاره و حسین کمارجی که فعالیت خانی از سر آن‌ها بیرون نرفته خود را فعال مایشاء و مالك جان و مال مردم می‌دانند، فرماندار، بخشدار و ژاندارمری را تطمیع نموده، عده‌ای متجاوز از پانصد نفر از منازل خود آواره نموده، تا بدین وسیله فرصتی به دست خوانین جهت غارت خرده مالکین افتد»(ساکما، ۲۹۳/۱۰۹۲۸). لازم به ذکر است که این گونه خیزش و اقدامات تا زمان اجرای اصلاحات ارضی ادامه یافت. این شورش‌ها زمینه‌ساز حرکت‌ها و تحولات سیاسی آینده شبانکاره و زیراه شد. تحت تأثیر این حرکت‌ها بود که مردم شبانکاره و زیراه به مبارزات سیاسی علیه پهلوی پرداختند. از آن جمله می‌توان فعالیت‌ها و مبارزات افرادی مانند محمد بازیارپور، عباس بازیارپور و حسنعلی کشفی اشاره نمود. هم چنین می‌توان از مبارزینی مانند فاتحی و مظفری‌زاده نام برد که دوره‌ای از حیات خود را در زندان‌های رژیم پهلوی گذراندند. لازم به ذکر است که این مبارزان با تبلیغ آثار افرادی مانند شهید مرتضی مطهری در گسترش فعالیت‌های انقلابی در این نواحی، نقش موثری ایفا کردند.

نتیجه‌گیری

شناخت موضوعات مختلف وابعاد گوناگون تاریخ محلی، به ویژه بررسی تاریخ اجتماعی و اقتصادی می‌تواند درک دقیق‌تر و کامل‌تری از تاریخ ایران عرضه نماید. شبانکاره وزیراه هم از این قاعده مستثنی نیستند. به ویژه آن‌که دارای تاریخ غنی اجتماعی و اقتصادی می‌باشند. شورش‌های ناحیه شبانکاره و زیراه، تحت تاثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی این ناحیه و همچنین تحولات حکومت مرکزی شکل گرفت. چنان که از دوره قاجار، حاکمیت تیولداران بر شبانکاره وزیراه باعث غارت روز افزون مردم این ناحیه شد و سپس فقر، گرسنگی، دریافت مالیات‌های سنگین از سوی خوانین، تضعیف حاکمیت و قدرت تیولداران مرکزنشین، زمینه را برای شورش‌های این ناحیه فراهم نمود و باعث قیام‌های مرحله اول گردید. جنگ جهانی دوم و از هم پاشیدگی اوضاع سیاسی و اداری کشور باعث شد تا خوانین از این فرصت سود جسته و با غارت منابع دولتی بیش از پیش برای قدرت خود بیافزایند. این افزایش قدرت و به تبع آن افزایش ثروت خوانین، باعث فشار بیشتر آن‌ها بر رعایا گردید و زمینه‌ساز مرحله دوم شورش‌ها شد. در دوره دوم پهلوی، نخست وزیری دکتر مصدق و حمایت او از توده‌ها به همراه مخالفت با زمینداران، نوعی امیدواری در این شورشیان به وجود آورد و آنان را جهت حرکت‌های خود مصمم‌تر ساخت. تصور دهقانان در این مرحله آن بود که با حمایت‌های کابینه دکتر مصدق بتوانند در برابر خوانین و زمین‌داران بزرگ مقاومت کنند و به آمال خود دست یابند. کودتای ۲۸ مرداد و سقوط کابینه دکتر مصدق، زمینه دوباره‌ای برای قدرت‌گیری خوانین بود. آنان با همراهی با مقامات حکومتی، نیروهای نظامی قدرت خود را تحکیم بخشیدند. در این مرحله بود که دهقانان و باغداران زیراه و شبانکاره به خونین‌ترین قیام و شورش‌ها دست زدند و همچنین تلاش نمودند تا از طریق سیاسی مانند شکایت نامه‌ها و ارسال تلگراف ها به مراکز متعدد قدرت به آمال خود دست یابند. این شورش‌ها، زمینه را برای تضعیف قدرت خوانین و اجرای اصلاحات ارضی فراهم کرد. هر چند به شدت سرکوب گردیدند. از سوی دیگر این قیام‌ها، نوعی آگاهی بخشی به مردم در جهت حرکت های انقلابی و به ویژه در زمان حوادث انقلاب اسلامی به وجود آورد. خیزش‌های شبانکاره و زیراه به علت فقدان سازماندهی منظم از یك سو و عدم حمایت گروه‌های سیاسی، مجلس شورای ملی ودیگر سران دولتی از آن‌ها از سوی دیگر به موفقیت چندانی دست نیافتند. به واقع، این شورش‌های دهقانی به مانند دیگر شورش‌های دهقانی در ایران، نتوانستند به یك حرکت و جنبشی وسیع و گسترده علیه خوانین تبدیل شوند.در این دوره، همراهی نیروهای نظامی دولتی با خوانین و سرکوب شورش‌ه توسط آنان نیز از عوامل تاثیرگذار در شکست این خیزش‌ها بود. هر چند باید گفت که شورش‌های دهقانی در شبانکاره و زیراه باعث آگاهی بخشدن به مردم و زمینه‌ای برای تحولات سیاسی این ناحیه در دوره‌های بعد شد.چنانکه در دوره‌های بعد و تحت تأثیر همین شرایط، مردم شبانکاره به فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی علیه حکومت پهلوی روی آوردند. و ناحیه دشتستان و به خصوص منطقه شبانکاره به کانون و پایگاه مهم مبارزه علیه حکومت پهلوی و طرفداری از نهضت انقلابی تبدیل شد.

* منابع و ماخذ در دفتر هفته نامه موجود است.

کمبود داروهای ساده تا خاص

نایب‌رئیس انجمن داروسازان ایران گفته است که متاسفانه درحال‌حاضر قفسه‌های داروخانه از دارو پر نیست و برخی از داروها از داروهای ساده تا داروهای خیلی خاص کمیاب هستند: «نظر من این است که میزان فرانشیز دارو توسط بیمار را به ۳۰درصد برگردانیم و این مخالف قانون نیست، چراکه در سال ۱۴۰۱ این مصوب شده بود و برای سال ۱۴۰۲ چنین قانونی نداریم.» علی فاطمی ادامه داد: «برای تولیدکننده داخلی به‌شدت سخت‌گیری می‌شود، اما زمانی که با کمبود مواجه می‌شویم سریع خرید از خارج انجام می‌شود. ما در ایران به‌سختی می‌توانیم برای کارخانه‌های‌مان مواد اولیه و ماشین‌آلات جدید وارد کنیم و تحریم‌ها باعث شده که مشکلاتی برای کارخانه‌ها ایجاد شود.»

درصدد حذف جمهوریت هستند

مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم‌سالاری در همایش فصلی این حزب با اشاره به تلاش مجلس یازدهم برای اصلاح قانون انتخابات گفت: «از نظر ما طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس که این روزها در مجلس حداقلی مطرح شده است بسیار نامطلوب بوده و به‌نوعی درصدد حذف جمهوریت و تهی ساختن مفهوم تعیین سرنوشت از سوی مردم است. کلیت این طرح هیچ نسبتی با نظام انتخابات حزبی ندارد و حتی دست دفاتر شورای نگهبان را پس از رأی مردم و تصویب اعتبارنامه هم باز می‌گذارد.» او در بخش دیگری گفت: «به‌رغم اینکه برخی عقلای اصولگرا مرتب ما را تشویق به مشارکت می‌کنند، اما بسیاری از قرائن و شواهد نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران فعلی چندان طرفدار مشارکت حداکثری مردم نیستند. زیرا انتخابات حداقلی در دهان آنان مزه کرده و نمی‌خواهند آن را به‌راحتی از دست بدهند.»

نتیجه رفتارهای غلط

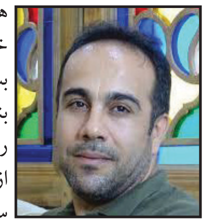
مسعود پزشکیان، نماینده مجلس یازدهم در گفت‌وگو با جماران گفت: «رفتارهای غلط ما همه را از دین و اسلام و اعتقادات دور کرده است. برخی تصور می‌کنند اسلام چیزی است که من عمل می‌کنم، یعنی من زور می‌گویم و بدون منطق دستور می‌دهم. به آقایان می‌گویم که اگر می‌خواهید حکومت اسلامی درست کنید، نامه حضرت علی(ع) به مالك اشتر را جلوی چشم‌تان بگذارید و به آن عمل کنید، به خدا مملکت گلستان می‌شود.» او در بخش دیگری گفت: «انتخاب مدیران ما خارج از روند علمی، اعتقادی و اجتماعی است. یعنی در حین پخته شدن بالا نیامده‌اند تا آنها را انتخاب کنیم، بلکه دوست و هم‌حزبی ما مدیرکل، استاندار و وزیر می‌شود درحالی‌که از استانداری و ساختار آن اطلاعی ندارد. یعنی بصیرت را در جریان عمل پیدا نکرده است، وقتی بصیرت پیدا نکرده تصیمم‌هایی که می‌گیرد درست نیست چون پخته نشده تا بالا بیاید.»

دولت رئیسی باید قدردان باشد

علی مطهری، فعال سیاسی در حساب توئیتری خود خطاب به دولت ابراهیم رئیسی نوشت: «دولت آقای رئیسی باید قدردان اختیاراتی باشد که به او تفویض شده است، مانند مذاکره مستقیم با آمریکا در عمان و واشنگتن و نیز توافق با آژانس، اختیاراتی که هرگز به دولت آقای روحانی داده نمی‌شد. دولت فعلی باید از این فرصت برای بهبود وضع معیشت مردم استفاده کند.»

دَمّام و جامعه شناسی

عبدالخالق ماجدی



هفته قبل برای مراسم خاکسپاری یکی از بستگان به روستای حصار بندر دیلم در استان بوشهر رفتم. طوایف لر لیراوی از قدیم در این منطقه سکونت دارند. چیزی که به صورت ویژه نظرم را جلب کرد حضور مردانی سیاهپوست در مراسم بود در منطقه ای که قاعدتا می بایست شاهد حضور مردان و زنان بلندقد با موهای بور و پوست سفید می‌بودیم.

از یکنفر اهالی روستا پرسیدم که سیاهپوستان روستا دارای چه ریشه ای هستند. پاسخ داد که این سیاهپوستان دراصل بندر ریگی هستند و بعدها در منطقه لیراوی ساکن شده اند.

بندر تاریخی ریگ در استان بوشهر با آن پیشینه تجاری - بازرگانی درخشان به صورت مستقیم از طریق داد و ستد چوب با منطقه زنگبار تانزانیا و بصورت غیرمستقیم احتمالا در تهاجمات استعمارگران پرتغالی ها به جزیره خارگ با سیاهپوستان آفریقایی مواجه شده است.

مراسم خاکسپاری با دمام زدن شروع شد که سازی کوبه ای کاملا آفریقایی و پایه ثابت مراسمات آیینی سیاهپوستان بویژه در موقع شادی و سوگواری بوده است. دمام در ابتدا به عنوان یک رسانه و با هدف اطلاع رسانی و اعلان شروع یک مراسم یا یک اتفاق و رویداد به اهالی استفاده می شد.

بستگان از طریق فضای مجازی اطلاعیه مراسم را به دستم رسانده بودند.بخشهای مختلف مراسم هم با دوربین موبایل‌های اسمارت ضبط و به صورت آنلاین در فضای مجازی به عنوان یک میراث فرهنگی پخش می شد.

از درآوردن صدا از پوست حیوانات شکار شده در آفریقا تا حضور دمام در مراسمات سوگواری جنوب ایران یک دنیا موضوعات جامعه‌شناسی وجود دارد.

تکرار کنشی بنام دمام زدن ابتدا در "حافظه فردی" و به تدریج در "حافظه جمعی"/"حافظه قومی" سیاهپوستان ثبت شده و در بین نسل های سیاهپوستان به صورت یک "میم" اجتماعی-فرهنگی انتقال پیدا کرده است.

نتایج پژوهش‌های علوم اجتماعی در مورد "حافظه" اینست که بدون شک حافظه بصورت اجتماعی ساخته می شود یعنی اینکه ساختی اجتماعی دارد و این گزاره در تحقیقات علوم پزشکی/عصب شناسی و روان شناسی هم اثبات شده است که حافظه/ذهن انسان به تدریج در جریان تماس با دیگران ساخته می‌شود و اساسا حافظه/ذهن، زیستی اجتماعی دارد.

نکته بسیار مهم اینست که ابزاری بنام دمام و کنشی بنام دمام زدن بعنوان یک کنش جمعی/اجتماعی بخاطر کارکردهای اجتماعی اش بوده است که در "حافظه جمعی" و به تدریج به صورت یک "حافظه فرهنگی" /"میراث فرهنگی" درآمده است و با سیاهپوستان به سراسر دنیا به ویژه هند و ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس سفر کرده و ماندگار شده است.

جالب اینست که در هر کشوری هم که وارد شده متناسب با نقش اولیه خودش در آفریقا بتدریج تثبیت، بومی و اجتماعی شده است. در کشور هند و کشورهای عربی در مراسمات شادی و شور و نشاط و در جنوب ایران متناسب با مذهب شیعیان بخشی از مراسمات مذهبی و سوگواری ایام محرم و صفر و در مناطق سنی نشین در مراسمات زار(جن زدایی از بدن بیماران) و همچنین جشنها و اعیاد استفاده می شود.



به مناسبت روز سوم خرداد و آزادسازی خرمشهر جناب مجید انتظامی اثری زیبا خلق کرده و در آن می بینیم یکی از اعضای ارکستر بصورت تک نوازی دقایقی چه زیبا دمام می نوازد. حدس می‌زنم شاید جناب انتظامی در جریان نباشد که در دهه شصت در شهر بوشهر دمام زنی قبل از شروع مراسم عزاداری در ایام محرم و صفر ممنوع بود.

در سال‌های اخیر مراسم دمام زنی در بندر بوشهر به عنوان یک جاذبه گردشگری و توریستی درآمده است و برای همین چند دقیقه مراسم دمام زنی، بوشهری های زیادی از داخل و حتی خارج از کشور به بوشهر سفر می کنند و شاید برای گردشگران باورپذیر نباشد که این مراسم در سالهایی از دهه شصت ممنوع بوده است.

چندصد سال قبل، کنش اجتماعی سیاهپوستان آفریقایی بصورت یک "حافظه قومی" با کشتی ها به استان بوشهر سفر کرده و با پذیرش تدریجی آن توسط بوشهریها(جامعه پذیری) به صورت "حافظه جمعی بوشهری ها" درآمده است. برای ما کارکردی مذهبی پیدا کرده و بخشی از "هویت اجتماعی" بوشهری ها شده است ولی برای سیاهپوستان بوشهری موضوع خیلی متفاوت است: سیاهپوستان حتی با وجود تمام شعارهای ضدنژادی نمایشی امروزی، متاسفانه همیشه در معرض تعرض و تهاجم بوده اند و در طول تاریخ با دمام می‌خواسته‌اند که هویت اجتماعی‌شان از طرف جوامع بومی مورد توجه و قبول قرار بگیرد و با هر دمام زدنی تمام خاطرات و حافظه های تلخ تاریخی شان را فریاد می زنند.وقتی یک سیاهپوست دمام می زند حالش دگرگون می شود و دنیا جلوی چشمانش مثل پوستش، سیاه می‌شود.

آیا هر دفتر جلد شده‌ای کتاب نام دارد؟

دکتر رسول خیراندیش

در گذشته وقتی از کتاب نام می‌بردند، تالیفی با ضوابط معین مدنظر بود به عبارتی آن‌چه محتوای یک کتاب را دربرمی‌گرفت دانشی بود که یقینی نسبی درباره آن وجود داشت، اگر غیر از این بود عنوان دیگری برای آن به کار می‌بردند. چنان‌که کسی برای کاری متناسب با آن‌چه در نظر داشت مطالبی را جمع‌آوری می‌کرد و به آن «دفتر» می‌گفتند و دیگر نام کتاب را به آن نمی‌دادند. «سفینه» یا عنوان «جُنگ» را به بعضی مجموعه‌ها می‌دادند. اگر کسی مطابق میل خودش اشعاری را گزینش می‌کرد و در یک مجموعه به عنوان جنگ یا سفینه جای می‌داد برای کاربرد شخصی بود که عنوان «بیاض» یا طومار و چیزهای از این قبیل به آن می‌دادند.

گذشتگان چه نوشته‌هایی را کتاب می‌نامیدند؟

بنابراین به همه آن‌چه که حاوی مطالبی گوناگون باشد کسی کتاب نمی‌گفت. اما اکنون ظاهرا هر مقدار کاغذ چاپ شده‌ای که جلدی بر آن قرار بگیرد، به آن کتاب می‌گوییم در حالی که ممکن است در مقیاس کتاب به آن مفهومی که اشاره کردم نگنجد. اکنون تعدادی از همان دفترها، سفینه‌ها و جُنگ‌ها به عنوان منابعی از دوران‌های گذشته به چاپ رسیده و به صورت کتاب درآمده‌اند و ما آن‌ها را به عنوان کتاب مرجع، متون تاریخی و ادبی می‌شناسیم. همچنین در حال حاضر مقدار زیادی جزوه درسی، تکست‌های آموزشی یا به قول فرنگی‌ها هندبوک (کتاب کار) و امثال اینها نیز به عنوان کتاب شناخته شده است که حقوق و قوانین ناظر بر کتاب هم در مورد آن باید اعمال و اجرا شود. اکنون هر متن چاپ شده‌ای را که جلد داشته باشد و دارای ویژگی‌هایی چون شماره شابک یا ثبت کتابخانه ملی باشد و روال قانونی را طی کند، عنوان کتاب به آن اطلاق می‌شود.

شاید بهتر بود که قانونگذاران یک طبقه‌بندی را در نظر می‌گرفتند و کتاب را از جزوه، یا آن‌چه که در قدیم دفتر، جنگ و غیره به آن می‌گفتند تفکیک می‌کردند و برای آن حقوق مشخص و معینی در نظر می‌گرفتند و آن را تعریف می‌کردند. به این ترتیب، آن‌چه را که به آن عنوان کتاب می‌دهیم در یک سطح معین با حجم مشخص، کاربردها و ضوابط معینی را شناسایی می‌کردند. اگر این طبقه‌بندی صورت بگیرد شاید مفید واقع شود یا این که سعی کنیم برای کتاب ضوابط و تعریف‌هایی تعیین کنیم.

مثلا تلاش بر آن باشد آن‌چه را که گردآوری مطالب است با آن چه که تالیف می‌شود تفکیک‌هایی بین آنها قائل بشوند. حال باید به دنبال این بود که این تفکیک در کجا صورت بگیرد؟ برای نمونه در نظام‌های دانشگاهی برای این کتاب‌های تالیفی امتیازاتی در نظر بگیرند. این در حالی است که در دنیای امروز حداقل نمایه کردن دارای ضوابط معینی است، یعنی کاتالوگ کردن



کتاب‌ها طبق یک قاعده خاصی صورت می‌گیرد اما در ایران چنین شرایطی در این بخش حاکم نیست.

نقد، کتاب‌های معتبر از غیر معتبر را مشخص می‌کند.

مراکزی که موظف هستند کتاب‌ها را نمایه و ایندکس کنند، باید تشخیص بدهند که کتاب‌ها را در چه سطوحی رده‌بندی کنند و آنهایی را نمایه کنند که واجد شرایط علمی معینی از نظر ساخت کتاب باشند یا این که فرهنگ نقد کتاب، چکیده‌سازی و اطلاع‌رسانی را در یک ضوابط معینی انجام دهند. چون افزایش عنوان کتاب‌ها به نحو بسیار شگفت‌انگیزی در دنیای امروز این مشکل را پیش آورده است که حتی اهل تحقیق هم فرصت مطالعه و دیدن همه آنها را ندارند و باید با استفاده از ایندکس‌ها، نمایه‌ها و چکیده‌ها بتوانند به آن چه که از سوی متخصصان دارای ارزش دانسته می‌شود دسترسی داشته باشند تا فقط به همان تعداد مراجعه کنند. برای نمونه مراکزی مانند «ایندکس اسلامیکوس» کتاب‌هایی را که در زمینه جهان اسلام منتشر می‌شود شناسایی و نمایه می‌کند و خلاصه‌ای از آنها را ارائه می‌دهد یا مثلا «اینترکتا ایرانیکا» سالانه مقالات و کتاب‌های را که درباره ایران است، شناسایی و نمونه‌های را که واجد جنبه‌های تحقیقی است معرفی می‌کند.

اما در ایران برای شکل دادن به نقد و معرفی کتاب‌های تازه نخست باید به سراغ مقدمات کار، یعنی انتشار مجله‌هایی رفت که به صورت تخصصی افزون بر مقالات علمی به ارائه فهرستی از کتاب‌های منتشر شده در یک زمینه معین با انعکاس خلاصه و اظهارنظر درباره آنها می‌پردازد؛ مثلا بنویسند این کتاب دارای مطالب جدیدی است یا این‌که مطالب تازه‌ای به نسبت کتاب‌های قبلی ندارد. به این ترتیب امکان طبقه‌بندی به وجود می‌آید و آفات کتابسازی‌ها بی‌مورد و بی‌جا را کم می‌کند و باعث کاهش اتلاف وقت، منابع و... می‌شود. این روشی است که به طور عام در دنیای امروز وجود دارد و روش علمی هم نقد کتاب است یعنی با نقادی صحیح می‌شود به مقدار زیادی کتاب‌های معتبر از غیر معتبر را تشخیص داد و برای اهل فن این فرصت را فراهم کرد که در وقت معین و محدودی کار تحقیق و مطالعه خویش را پیش ببرند./ (ایبنا)

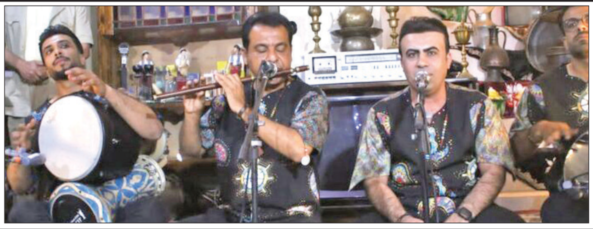


هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

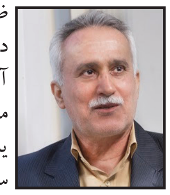
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول وسردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



مذاکره ی مستقیم با امریکا

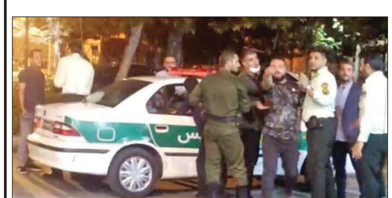
دکتر امان اله شجاعی



ظاهرا اصولگرایان حاضر در دولت و مجلس، آمادگی آن را پیدا کرده اند که از مذاکره مستقیم با آمریکا، و یا از باز شدن سفارت خانه‌اش سخن بگویند. نمی دانم چه چیزی عوض شده که "سند خیانت"، یعنی همان برجام، امکان اجرایی پیدا کرده، و یا چگونه بازشدن جاسوس خانه استکبار جهانی ممکن شده؟ ولی همین که واقعیت‌های بین‌المللی باعث شده از رفتارهای عقلانی سخن بگویند، خود گام بلندی است. گرچه موتور تحرکت عقلی حضرات به اصطلاح گازوئیلی است، و بسیار هم دیر راه می افتد، ولی باز هم تا این جای کار، نشانه ی امیدواری است. تاسف آن جاست که پس از ۴۴ سال، هنوز هم می گویند که اگر آمریکا "رفتارش عوض" شد... . هنوز عجیب است که نمی دانند رفتارشان برخواسته از منافع ملی شان است و تا زمانی که تغییر رفتار برمبنای رسیدن به "منافع ملی بالاتری" نباشد، تغییر آن رفتارها ممکن نیست و ابدا منافع ملی را با هیچ چیز عوض نمی کنند. زیرا هیچ یک از مسوولین آن ها، نه توان این کار را دارند و نه مجوزش را. در نتیجه، انتظار برای تغییر رفتار ریشه ای، وقت تلف کردن است.

روزنامه اصولگرای جوان مدعی شد:

حمله نیروهای خودسر به کنسرت گروه لیان ،کار بیگانگان است!



حمله نیروهای خودسر به کنسرت گروه لیان با واکنش تند رسانه‌های اصولگرا نیز همراه شده است. این رسانه‌ها حمله به کنسرت‌ها را در نقطه مقابل «عادی سازی» شرایط فرهنگی و هنری کشور تلقی کردند. روزنامه اصولگرای جوان در مطلبی با عنوان: «خطر خودسرها چقدر است؟ دوقطبی کردن جامعه نیاز معاندین در دوران افول فتنه زن، زندگی، آزادی است» نوشت: «در روزهای گذشته ویدئویی با عنوان تلاش عده‌ای برای برهم زدن یک کنسرت منتشر شد که با ممانعت نیروهای حراست مواجه شد.»

روزنامه جوان در این خصوص نوشته: «چه کسانی به بهانه کنسرت‌ها برای شبکه‌های معاند خوراک ایجاد می‌کنند؟ نیروهای خودسر چه کسانی هستند؟ خطر این افراد که قطعاً معدود هستند و از جایی خط می گیرند، چقدر است؟ ... امروز دیگر در دهه ۷۰ به سر نمی‌بریم که عده‌ای با استفاده از خلأهای امنیتی بتوانند به اماکن فرهنگی و اجتماعی یورش برده و موجب تهیه خوراک رسانه‌ای برای بیگانگان شوند. اداره‌کنندگان کنسرت‌ها و نیروهای حراست به وظایف خود آگاهی دارند و قطعاً لازم نیست عده‌ای بخواهند از بیرون به بهانه‌های واهی نظم و انضباط برنامه‌های فرهنگی را بر هم بزنند. اگر دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در این موارد به طور دقیق و به موقع به وظایف خود عمل نکنند، بهترین بهره‌برداری را دشمنان نظام و انقلاب خواهند برد.»

حمله ناکام عوامل خودسر به کنسرت «لیان» بوشهر در تالار وحدت تهران



جمعه شب ۲۶ خرداد یک لندکروز سفید مقابل تالار وحدت ترمز می کند. پنج نفر از ماشین پیاده می‌شوند. آن پنج مردِ خشن، به صف مردم منتظر برای ورود به سالن کنسرت «گروه لیان» حمله می کنند. یک عکاسِ زن ضرب و شتم می‌شود. مردم پراکنده می‌شَوند. شب ۲۶ خرداد ۱۴۰۲، گروهی از افراد خودسر به تالار وحدت حمله کردند تا مانع از برگزاری کنسرت گروه لیان شوند. گروه موسیقی «لیان» به سرپرستی محسن شریفیان طی چهار شب و در روزهای ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ خرداد در تالار وحدت روی صحنه رفت.

بهمن بابازاده خبرنگار موسیقی که خود در تالار وحدت حضور داشت جزئیات جالبی را از حمله عوامل خودسر به کنسرت گروه لیان روایت کرده است: او گفته: «لندکروزی سفید مقابل درب بنیاد رودکی ترمز کرد و پنج مرد به سرعت از ماشین پیاده شدند و به مردم حاضر در صف مقابل تالار وحدت حمله کردند. آن‌ها فحاشی می کردند و حتی به عکاس بنیاد رودکی که از ورود مردم به سالن کنسرت تصویربرداری می کرد حمله کردند و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. در این لحظه حراست بنیاد رودکی سر رسید و آن پنج مرد را دستگیر و تحویل نیروی انتظامی داد.»

او در ادامه درباره این ماجرا نوشته: «از نزدیک شاهد اقدامات فداکارانه حراست و نیروی انتظامی بودم و این میزان مسئولیت شناسی قابل تحسین است. برنده بزرگ امشب: حراست و نیروی انتظامی بودند. سال‌ها قبل، کفن پوش‌ها به کنسرت‌های قانونی حمله می کردند و فاتحانه سرود می‌خواندند. امروز، اما عوامل انتظامی و قانون و مدیرانی باهوش، از تمام حوادث پیشگیری کردند. حوادثی که قطعا می‌توانست دستمایه بسیاری از اخبار تلخ و نادرست علیه کشور و موسیقی ایران شود...»

محسن شریفیان نیز در واکنش به حواشی کنسرتش در تالار وحدت و حمله ناکام عوامل خودسر به برنامه اش، نوشت: همان قدری که به ناعدالتی ها همیشه معترض بوده و هستم، و بارها دادگاهی شدم و ممنوع الکار... اما امشب باز مثل ماجرای کنسرت ۱۳۹۳ بوشهر، به من ثابت شد که افرادی هستند که علیرغم تمام فشارها، جلوی بی‌قانونی می ایستند و دم شان گرم.

برگزاری فستیوال غذای محلی بوشهر

فستیوال غذای محلی بوشهر (طبخ نخود و پوکورا) و مسابقه طناب کشی کودکان توسط خانه مشارکت های مردمی سلامت شهرستان بوشهر به منظور نشاط اجتماعی با همکاری هتل درسا برگزار گردید.

در این فستیوال تعدادی از شهروندان نخود و پوکورا طبخ و در مسابقه شرکت کردند.

تعدادی از بانوان نیز که کسب و کارهای کوچک خانگی دارند محصولات خود رو نمایش دادند.

همچنین بیش از حدود صد نفر از کودکان در مسابقه طناب کشی شرکت کردند و همه گی جوایزی شامل کتاب و پازل و خمیر بازی دریافت نمودند. جمعا هزینه برگزاری این فستیوال حدود سه میلیون تومن اعلام شد که این هزینه شامل جوایز شرکت کنندگان بود که هتل دُرسا، شهر سوخاری و بیرون بر مصری و کتاب شهر در تهیه جوایز همکاری داشتند. طی نظر سنجی ها حاضرین از برگزاری این برنامه بسیار اعلام خرسندی و رضایت داشتند و به امید خدا مرحله بعدی فستیوال طبخ مسقطی بوشهری برگزار خواهد شد.

(روابط عمومی خانه مشارکت های مردمی سلامت شهرستان بوشهر)

عکس نوشت

شهرام شریف پور: این عکس، ساحل حد فاصل عمارت بلدیه شهرداری سابق شورای شهر فعلی بوشهر، تا آب انبار قوام هست که بسیار ساحل منحصر و زیبایی بود، معمولا در اثر موج‌های خروشان در زمستان هنگام باد شمال ساحل ریزش می‌کرد ودر فاصل مجسمه شاه سابق، حداقل سالی یکبار ساحل فروکش می کرد، ساحل همان‌طور که در عکس پیداست سه چهار متر از سطح دریا ارتفاع داشت واین بر زیبایی آن می‌افزود، در سال‌های اخیر به جای آن پارک شورا و در ادامه روبروی پارک خلیج سابق(پارک پرندگان) یکسری مغازه زده اند وساحل را حدود دوتا سه متر پایین برده اند وکاملا با شکل قدیمی متفاوت شده است.



خاطرات بوشهری

دردسرهای استادیوم رفتن در بوشهر

محمود قدسی



از عمارت کپتان (پل پور درویش فعلی) تا استادیوم بوشهر بیابان برهوت بود که تابستان ها محل زندگی سگ های ولگرد بود که به صورت گروهی با هم زندگی می‌کردند و کسی جرات نمی‌کرد که به آن اطراف برود. در زمستان هم با اولین بارندگی به دلیل رسوب ناپذیری زمین، همه آب باران در آن اطراف جمع می‌شد و تا فصل بهار و حتی بخشی از تابستان هم خشک نمی‌شد. برای ما بچه های علاقمند به فوتبال که مجبور بودیم پای پیاده به استادیوم برای دیدن بازی های شاهین و ایرانجوان برویم، راهی جز همین دریای مصنوعی در زمستان و خطر مواجهه با سگها در تابستان نبود.

زمستان سال ۱۳۴۸ شاهین آبادان که از تیم های فوتبال قدرتمند آن روزهای فوتبال خوزستان و ایران بود به دعوت شاهین بوشهر برای دو بازی دوستانه به بوشهر آمد. روز چهارشنبه برای بازی ایرانجوان و شاهین آبادان که از بازیکنان معروف و ملی پوشی چون حمید برمکی و جاسمیان استفاده می کرد، اعلام شده بود. بچه‌های دوست دار فوتبال مدرسه ابتدایی مهران که روبروی کوچه گلشن و همه از بچه های شکری و سه محله سنگی، محله ترک ها و برازجانی ها بودند، به قصد رفتن به استادیوم به دفتر مدرسه رفتند و یک ساعت زنگ دوم عصر را اجازه گرفتند.

بازی ساعت ۳ شروع می‌شد و اگر می‌خواستیم از مسیر ماشین رو برویم طولانی می‌شد و مدتی از بازی را از دست می‌دادیم. ناچارا مسیر بیابان را انتخاب کردیم. همگی کفش و جوراب و شلوار کمری را از تن بیرون آوردیم و همراه با کتاب‌های‌مان روی سر گذاشتیم و تا استادیوم به آبی که تا کمی بالای زانو می‌رسید زدیم. به استادیوم که رسیدیم، لباس‌هایمان را پوشیدیم، ولی با مشکل دوم که رفتن به داخل استادیوم بود مواجه شدیم. پول بلیط که دو تومان(بیست ریال) بود را نداشتیم. پاسبان ها روی دیوار راه می‌رفتند و اجازه نمی‌دادند کسی از روی دیوار بپرد و وارد استادیوم شود. اما در اکثر مسابقات که بلیط فروشی میشد، بچه ها با یک تصمیم جمعی وارد استادیوم می‌شدند. همه با هم کنار دیوار جمع می‌شدند و با یک، دو، سه همگی از دیوارها بالا می‌رفتند و می‌پریدند داخل استادیوم و به سمت زمین اصلی می‌دویدند، پاسبان ها که تعدادشان کم بود نهایتا می‌توانستند جلو دو سه نفر را بگیرند و احیانا با باطوم بزنند. این شیوه رفتن بداخل استادیوم همیشه تکرار می‌شد و آنروز هم با موفقیت اجرا و وارد استادیوم شدیم. بازی با داوری آقای صیادی و کمک آقای حق بین و یک داور دیگر شروع شد. ایرانجوان با گل احمد حیدری که بخاطر سرعت زیادش به تاکسی معروف بود، پیش افتاد. شاهین با گل حمید برمکی مساوی کرد. در دقیقه ۳۵ بازی یک ضربه کاشته به نفع ایرانجوان گرفته شد. دروازه جنوبی، گل تیم شاهین آبادان بود. حمید چاهیبخش با یک ضربه آزاد دیدنی دروازه شاهین را باز کرد ولی شاهین معترض شد و بازی بهم خورد و متاسفانه بازی که ما با این همه زحمت و سختی خودمان را برای دیدنش رسانده بودیم، نیمه تمام ماند و شادی پیروزی بر تیم قدرتمند شاهین آبادان برایمان نیمه تمام ماند.